

سهم‌گیری در مذاکرات صلح؛ تسلیم شدن به دشمنان اسلام



جنگ خانمان سوز امریکا تحت نام "مبارزه علیه تروریسم" پس از ۱۸ سال علیه مردم مسلمان و مجاهد افغانستان به بُن‌بست جدی روبرو شده است. لذا برای امریکا ناممکن است تا جبهه جنگ افغانستان را ناگهانی ترک نموده و از صحنه عقب نشینی کند. چرا که سرنوشت امریکا هم به سان سرنوشت اتحاد جماهیر شوروی رقم خواهد خورد.

بنابراین امریکا بعد از نیم قرن روابط سیاسی با افغانستان و مبارزه سیاسی، اقتصادی، استخباراتی، و مصرف تریلیون‌ها دالر و قربانی هزاران عسکر برای اشغال افغانستان در ۱۸ سال گذشته؛ از ترس رویارویی با سرنوشت رقت‌بار شکست، به مذاکره صلح با طالبان متوسل شده است تا ظاهراً جنگ افغانستان را طوری به پایان برساند که نفوذ استعماری خود را درین سرزمین مصوون نگه داشته و از موقعیت جیو ستراتژیک، ذخایر معدنی افغانستان و مواد مخدر استفاده اعظمی نماید.

همسویی و شامل شدن گروه‌ها و سیاسیون افغان در پروسه صلح امریکایی، جز حرکت در دهلیزهای تنازل تدریجی درمقابل دشمنان اشغال‌گر، تجزیه بیشتر گروه طالبان و اغوای مردم مسلمان و مجاهد افغانستان، چیز بیشتری به ارمان نخواهد آورد. بناء برای یک گروه مسلح اسلامی، کافی و جای بسا افتخار است که ابر قدرت درجه یک جهان را مجبور ساخته تا با یک گروهی که در دیدگاه سیاست خارجی آن کشور «تروریست» نامگذاری شده بود و تحت همین عنوان اغواگرایانه با آنان در جنگ قرار داشت، به میز مذاکره بنشیند.

بدون شک خواست خروج تمام نیروهای اشغال‌گر از افغانستان، سرنگونی نظام دموکراتیک حاکم و تطبیق همه‌جانبه شریعت؛ یگانه هدف مشروع اسلام و مسلمانان است. این اهداف تنها توسط مسلمانان افغانستان دنبال نمی‌گردد؛ بلکه تمام امت مسلمه می‌خواهد تا نظام‌های حاکم دست‌نشانده را سرنگون ساخته، سرزمین‌های اشغال‌شده را آزاد نموده، هر نوع حضور استعمارگران را از سرزمین‌های خویش ریشه‌کن ساخته و تحت نظام خلافت، شریعت اسلامی را به‌گونه‌ای همه‌جانبه تطبیق نمایند. جهاد مسلحانه مسلمانان در سرزمین‌های اشغالی و انقلاب‌های بهار عربی که تا کنون ادامه دارد، بهترین مثال‌های اراده‌امت درین مسیر آزادی‌بخش بوده و می‌باشد؛ اما پرسش این‌جاست که آیا این اهداف اسلامی از طریق گفت‌وگو و مصالحه با دشمن صلیبی، کافر و اشغال‌گر قابل دست‌یابی است یا خیر؟!

هرگز! اگر قابل دست‌یابی می‌بود؛ نهضت اسلامی تاجیکستان می‌توانست از طریق مصالحه با نظام مزدور و مستبد این کشور به این هدف دست می‌یافت. انقلابیون سوریه از طریق مذاکره با نیروهای اشغال‌گر روسیه، ایران و ترکیه می‌توانستند به اهداف شان نایل گردند. مسلمانان چین می‌توانستند و حتی حزب اسلامی حکمتیار در افغانستان می‌توانست. همه‌ای آن‌ها در پروسه‌های کفری و دموکراتیک ذوب شدند و برنامه‌های مختلف استعماری آنان را همراه با اهداف‌شان بلعید که جز یأس، ناامیدی و تسلط بیشتر نظام‌های کفری چیز دیگری را برای امت مسلمه به ارمغان نیاوردند. پس آیا حرکت طالبان هم می‌خواهد جزء آنان باشد؟!

علاوه برین، امریکا بدترین سابقه عهد شکنی را در تمام تاریخ بشریت دارد. این پیمان شکنی تنها با گروه‌های مسلح و احزاب سیاسی نبوده، بلکه با دولت‌ها نیز بصورت متداوم پیمان شکنی کرده است. اگر این ادعای ما را قبول ندارید بروید از رهبران اتحاد شمال و حزب اسلامی حکمتیار در افغانستان بپرسید! بروید از رهبران ایران و کوریای شمالی بپرسید! حتی در موضوع خروج از اتحادیه اروپا از انگلستان بپرسید! سیاست پراگماتیک امریکا نه دوست دایمی دارد و نه دشمن دایمی. همیشه هدف استعماری‌اش هر نوع وسایل و اسالیب کثیف را توجیه کرده است. لذا برای اشغال افغانستان اول شما را "تروریست" معرفی کرد و حکومت تان را سقوط داد، بعد از چندین سال جنگ و وحشت، نظر به مقتضیات سیاست خارجی خویش، شما را از لیست تروریستان امریکا خارج ساخته و اکنون برای مصونیت و ادامه حضور استعماری خود به نام مخالف مسلح داخلی باب مذاکره را با شما باز کرده است.

هرچند واقعیت جنگ افغانستان قبل از سال ۲۰۱۴م مستقیماً از سوی مردم مجاهد افغانستان در برابر نیروهای اشغال‌گر و حامیان هم‌سنگرشان قرار داشت؛ اما بعد از عقد پیمان‌ننگین امنیتی، جنگ در میان افغان‌ها تمرکز یافته و اما اشغال‌گران خود را در پایگاه‌ها حفظ و به عنوان مشاورین با قوماندانان نظامی و توسط تعلیم، تربیه، تمویل و تجهیز نیروهای افغان نقش خبیثانه خود را با کمال مصونیت ایفا می‌کنند و گروه‌های مختلف نظامی درین عرصه شکل گرفته که به اعمال عجیب و غریب در عرصه جنگ متوسل می‌شوند. گاهی مطلقاً جنگ شکل فتنه میان مسلمین بر اساس احساسات قومی و زبانی زبانه می‌کشد و گاهی هم جنگ برای انتقال مواد مخدر از یک محل به محل دیگر و گاهی به نیابت یکی از کشورهای دخیل در افغانستان و منطقه شعله‌ور می‌گردد. خساره و تاوان اصلی جنگ را مردم افغانستان متحمل شده که در این صورت، مبارزات مخلصین را نیز زیر سوال می‌برد، اما اشغال‌گران از وضعیت بوجود آمده استفاده استعماری خود را می‌نمایند.

پس ای مبارزین مخلص در افغانستان!

اندکی کنار آمدن با کفار اشغال‌گر به همان نقطه آغاز یک زاویه می‌ماند که به اندازه امتداد اضلاعش از هم فاصله می‌گیرد. اگر شما باب مذاکره با اشغال‌گران را باز بگذارید و این مسیر را ادامه دهید، به انحراف تان تدریجی افزوده می‌شود تا بالاخره ذوب پروسه امریکایی می‌گردید. درحالی‌که به انحراف تان متوجه نبوده و حتی از پذیرفتن آن اکیداً ابا می‌ورزید. درنتیجه حتی اگر کافر اشغال‌گر ظاهراً اشغال مستقیم را خاتمه ببخشد، اما حضور استعماری خود را از طریق نهادهای بین‌المللی، سفارت‌خانه‌ها، دیپلمات‌ها، جواسیس، موسسات ملکی و غیره ادامه می‌دهد. در آن صورت، هُندار الهی که برای اصحاب کُهِف داده شده بود، مصداق حال ما و شما هم می‌گردد:

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا [۱۸:۲۰]

ترجمه: قطعاً اگر آنان بر شما غالب شوند، شما را سنگسار (مجازات) می‌کنند، و یا این‌که (شما را) به آئین (دموکراسی) خود برمی‌گردانند، و (در آن صورت، در دنیا و آخرت) هرگز رستگار نمی‌گردید.

قطعاً اگر جهاد مسلحانه و مستقیم علیه اشغال‌گران در افغانستان پایان یابد، کفار صلیبی ما و شما را بیشتر از پیش دلیل نموده و به پذیرفتن آئین پست شان (دموکراسی) مجبور خواهند ساخت که در آن صورت، خسران دنیا از مصائب و بحران‌های استعمار و زیان آخرت از عدم جهاد علیه کفار اشغال‌گر و نبود مبارزه فکری و سیاسی علیه کفار استعمارگر و تطبیق اسلام از طریق دولت خلافت دامن‌گیر ما و شما خواهد شد. بدانید، قومی که جهاد را ترک کرده دلیل شده‌اند. چنان‌چه بعضی از شواهد این ذلت را در جریان ۱۸ سال گذشته مانند: تفرقه، فتنه، فقر، فحشا، مالیات گزاف، فساد اداری، توهین به مقدسات، قتل و خون‌ریزی بی‌مهابای مردم خویش را تجربه نموده‌ایم.

ای مسلمانان مجاهد و آزاده افغانستان!

پروسه صلح دشمن، هرگز شما را به امنیت و رفاهی که توقع دارید نمی‌رساند؛ بلکه سبب می‌شود تا صفحه دیگری که صحنه سیاست و جنگ را در افغانستان پیچیده‌تر ساخته و استعمار تحت نام نو و شعار ریشه‌های حضور نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم‌تر نماید و بعد از ختم مقاومت علیه اشغال‌گران، مسلمانان افغانستان دیگر حتی بر تربیه زن، فرزند و خانواده خود قادر نخواهند بود و هر نوع ذلت دامن‌گیر فرد مسلمان این سرزمین خواهد شد. حتی مانند تعدادی دیگر از سرزمین‌های اسلامی، تشکیل خانواده بر اساس نکاح، تربیه اسلامی اولاد، اقامه نماز و ایراد خطبه سیاسی در مساجد و فعالیت سیاسی اسلامی در جامعه میسر نخواهد بود.

ای مسلمانان و ای مخلصین!

امریکا از یک سو می‌خواهد توسط این پروسه، طولانی‌ترین جنگ تاریخش را پایان یافته اعلام نموده و حزب حاکم در امریکا برای موفقیت خود در انتخابات آینده ریاست جمهوری از آن استفاده سیاسی کند. از جانب دیگر، کشورهای منطقه را اغوا نموده که ما دیگر به جنگ افغانستان نقطه پایان می‌گذاریم تا در نتیجه از شکست علنی و شرم آور خود درین مقبره امپراطوری‌ها جلوگیری کند. اما درین پروسه کثیف و اغوا کننده، اصلاً صلح با داعش و بیست گروه دیگر "تروریستی" که همواره سیاست‌مداران و نظامیان امریکا و دولت دست‌نشانده افغانستان از آن یادآوری می‌کنند جزء اجندا و پروسه صلح نیست. پس افغانستان باز هم من‌حیث پروژه جنگی امریکا در منطقه استفاده می‌شود و بعد از تحقق این پروسه اغواگرایانه، تنها تغییر در جغرافیایی کنونی جنگ پیش‌بینی می‌شود و بس؛ اما امریکا هم‌چنان به استفاده ابزاری از موقعیت ستراتیژیک، ذخایر طبیعی و مواد مخدر افغانستان ادامه می‌دهد.

قابل یادآوری است که همکاری و تسهیلات پاکستان، سعودی، امارات و قطر درین پروسه به این معنی نیست که این دولت‌ها همدردی و اخلاص با مبارزات طالبان دارند؛ بلکه همه‌ای آن‌ها وسایل خبیث نفوذ امریکا بر این گروه است. هم‌چنان همکاری چین، روسیه، هند و ایران با طرف‌های درگیر، چه با طالبان و چه با دولت امریکایی در کابل، قضیه را بیشتر ازین پیچیده‌تر می‌سازد و بر ابعاد منطوقی و نیابتی جنگ در افغانستان دلالت می‌کند، و امریکا می‌خواهد بار سنگین جنگ را بدوش کشورهای منطقه واگذار نماید. چنان‌چه در سال ۲۰۰۱ میلادی پاکستان با اشغال افغانستان و شکست تحریک طالبان معامله کرد، اکنون یک بار دیگر زمینه چنین معامله را دوباره مساعد می‌سازد. فلذا امریکا اکنون از تمام وسایل نفوذ و فشار خود استفاده می‌کند تا طالبان را به پروسه صلح امریکایی تسلیم نماید.

پس ای عناصر مخلص امت در طالبان و سایر گروه‌های اسلامی!

هدف جهاد و قربانی‌های اجداد تان علیه انگلیس، هدف جهاد و قربانی‌های شما علیه اتحاد جماهیر شوروی و هدف جهاد و قربانی‌های تان علیه امریکا و ناتو تحکیم استعمار و تطبیق نظام دموکراسی و قوانین بشری نبود؛ بلکه تاسیس دولت اسلامی و تطبیق شریعت بود. پس بیایید با یک صدا به شمول پروسه صلح هر نوع برنامه‌های کفار و مزدوران‌شان را در فکر و عمل به شدت رد نموده و نیروی نظامی و فعالیت مسلحانه خود را با فکر همه جانبه و سیاسی حزب‌التحریر مجهز سازید، تا گام به گام شما را از مکر دشمن آگاه ساخته و قربانی‌های پیهم مردم غیور این سرزمین را با تاسیس دوباره دولت خلافت رانده همگام با برادران خود در منطقه ثمربخش سازیم. آن‌گاه می‌توانیم بجای صلح امریکایی؛ امنیت، رفاه و اطمینان ایمانی را در فضای دولت اسلامی نه تنها به افغانستان؛ بلکه به سراسر سرزمین‌های اسلامی به ارمغان آوریم و اسلام عزیز را از طریق سیاست خارجی یعنی دعوت و جهاد به لندن، پاریس، مسکو، پکن و واشنگتن برسانیم. آن وقت است که ابتکار عمل بدست امت مسلمه بوده و بشریت را از ظلمت سرمایه‌داری به نور اسلام رهنمون خواهد کرد.

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ [۳۷:۶۱]

برای دستیابی به چنین چیزی، پس عمل کنندگان باید عمل کنند.

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ [۱۴:۲۰]

و این کار برای الله متعال مشکل نیست.

حزب التحریر - ولایه افغانستان

۲۰۱۹/۰۲/۰۶ م